

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سازمان زنان ۸ مارچ (ایران-افغانستان)

۱۲ جنوری ۲۰۱۹

رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی مسئول مرگ زهرا است!



روز یکشنبه ۱۷ دی ماه [جدی] ۹۷، پیکر بی جان "زهرا نویدپور"، شاکی پرونده تجاوز و آزار جنسی از طرف "سلمان خدادادی" - نماینده مجلس شورای اسلامی - در منزل مادرش پیدا شد. در حالی که آخرین اخبار نشان می‌دهد، در تاریخ ۱۴ مهر ماه سال جاری جلسه سوم دادگاه رسیدگی به شکایت زهرا نویدپور از سلمان خدادادی تشکیل شد و در این جلسه متهم تمام اتهامات را پذیرفت و با قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی، مقرر شد که دادگاه ظرف ده روز رأی نهائی خود را صادر نماید؛ اما از آن تاریخ تا امروز، هرگز دادگاه دیگری تشکیل نشد و علی‌رغم پی‌گیری‌های زهرا ارگان‌های درگیر در این پرونده از شورای نگهبان گرفته تا کمیسیون نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس و قوه قضائیه، هیچ‌یک پاسخگو نبوده‌اند.

حین وقت‌کشی آگاهانه دستگاه قضائی، ۳ ماه پیش زهرا نامه‌ای به قاضی پرونده خود نوشت و اعلام کرد که طی دو هفته گذشته بارها از جانب نزدیکان سلمان خدادادی - برای وادار ساختن او به نوشتن رضایت کتبی - مورد تهدید جانی قرار گرفته است. زهرا آشکارا از قاضی پرونده، برای تأمین امنیت جانی خود درخواست اقدامات مقتضی و کمک کرده بود؛ اما تقاضای او نیز با بی‌توجهی مواجه شد تا جایی که در نهایت جسد بی‌جان این زن ستم‌دیده و بی‌پناه در منزل مادرش پیدا شد. اولین اعلام نظر دادستان ملکان این بود که خانم نویدپور "به‌ظاهر" خودکشی کرده اما موضوع در دست پیگیری است. البته با توجه به ماهیت ارتجاعی دستگاه قضائی جمهوری اسلامی کاملاً روشن است که وقتی در زمان حیات زهرا، بعد از ۳ سال طرح شکایت و پیگیری مستمر و پایداری‌اش در مقابل تهدید و تطمیع برای حصول نتیجه و اعلام عدم امنیت جانی در مقابل "محکمه عدالت اسلامی" و ... این پرونده متکی بر مستندات و اعترافات

غیر قابل انکار به این سادگی و با بی‌اعتنائی عامدانه در گوشه‌ای بایگانی شده و خاک می‌خورد، بعد از مرگ زهرا این پرونده برای همیشه بسته خواهد شد.

آشکار است که متهم این پرونده که یکی از عناصر امنیتی-سیاسی سابقه‌دار و شناخته‌شده در تحکیم حاکمیت رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی است، از حمایت کامل دستگاه قضائی این رژیم برخوردار بوده و هست؛ به همین دلیل بی‌هراس از عقوبت، می‌تواند برای بستن این پرونده مفتضح تا سرحد حذف این شاکي "مزاحم" و جسور پیش رفته باشد. چون نگاه زن‌ستیزانه‌ای که رژیم جمهوری اسلامی طی چهل سال در جامعه تبلیغ و ترویج کرده است، زن را تنها وسیله‌ای برای ارضای شهوات و نیازهای جنسی مرد می‌شناسد. این نگاه در رابطه با زن مطلقه بسیار وقیح‌تر است. همان‌طور که از فحواي مکالمات تليفوني - در فایل صوتی که زهرا شجاعانه رسانه‌ای کرده است - پیداست، سلمان خدادادی با وقاحت تمام بارها به زهرا گوشزد می‌کند که "تو یک زن مطلقه هستی!" او به این وسیله تجاوز به او را مجاز شمرده و تأکید می‌کند که به استناد مطلقه بودن تو، اذهان عمومی مرا محق می‌دانند... این تفکر واپس‌گرا فصل مشترک خدادادی را با نظام ایدئولوژیک و عقاید پوسیده ضد زن آن آشکار می‌کند که زهرا اولین قربانی آن نیست و شواهد دیگری نشان می‌دهد زنان دیگری نیز که به این نماینده مجلس برای تقاضای کار مراجعه کرده‌اند، مورد تجاوز او قرار گرفته‌اند؛ اما در بین این قربانیان تنها زهرا - و یک زن دیگر - شهامت شکایت از او را پیدا کرده‌اند.

این جنایت اما مشتمل نمونه خروار است و تجاوز یک نماینده مجلس و تبری از عواقب آن در سایه مزاحم و حمایت‌های حاکمیت اسلامی یک مورد استثنائی در میان مقامات کشوری نیست. خبر تجاوز به ۴۱ دختر و زن جوان در ایرانشهر توسط فرزندان مقامات بلندپایه که در خردادماه [جوزا] ۹۷ رسانه‌ای شد، نیز تنها نمونه‌ای کوچک از هزاران جنایات و ستم جمهوری اسلامی علیه زنان است که خیلی زود در رسانه‌ها کمرنگ شد.

امروز تجاوز و اعمال آزار جنسی در زندان‌های جمهوری اسلامی بر زنان زندانی سیاسی و غیرسیاسی دیگر بر کسی پوشیده نیست. اعدام ریحانه جباری به "جرم" قتل یک عنصر اطلاعاتی متجاوز هم یکی دیگر از نمونه‌های جنایات مأمورین دولتی و حمایت زن‌ستیزانه قانون از متجاوز بود. عاطفه رجبی، دختر بچه بی‌پناه ۱۶ ساله‌ای که قاضی و مأمورین زندان فومن به او تجاوز کردند و بعد به دارش آویختند و ... این‌ها تنها چند نمونه از مواردی است که به طریقی افشاء و رسانه‌ای شدند. خیل عظیمی از زنان و کودکان در این جامعه روزانه مورد تجاوز و آزار جنسی قرار می‌گیرند و در سایه قوانین ضد زن مبتنی بر شریعت اسلامی و با پشتیبانی قدرت حکومتی و تابوهای اجتماعی، از چشم‌ها پنهان می‌مانند؛ اما حفره عمیق و چرکینی که از این جنایات در جان و روان زنان باقی می‌ماند پرشدنی نیست و زنان را روز به روز خشمگین‌تر و عاصی‌تر خواهد کرد.

حتا اگر زهرا "خودکشی" کرده باشد، مسؤول مرگ او رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی است. زهرا دختر جوان و تحصیل‌کرده‌ای بود که می‌توانست زندگی پر بار و زیبایی پیش رو داشته باشد. پایان دهشتناک زندگی زهرا توسط متجاوزینی که در دمودستگاه حاکمیت، صاحب قدرت و نفوذ اند، نشان می‌دهد که تنها با سرنگونی انقلابی رژیم سرتاپا ضد زن، متجاوز و سرکوبگر می‌توان جلوی مرگ هزاران نفر هم چون زهرا را گرفت.

سازمان زنان ۸ مارچ (ایران-افغانستان)

۱۰ جنوری ۲۰۱۹

www.8mars.com